سر مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. فصلنامهٔ سفینه یک بار دیگر با موضوع «زنان و خانواده» در جمع صمیمی یاران حضور می‌یابد. اهمیت و ضرورت موضوع ما را برآن داشت که یک شمارهٔ دیگر را به این موضوع اختصاص دهیم. سپاس از یاران همدل، اعم از نویسندگان و خوانندگان، کمترین وظیفهٔ ما است. در این فرصت به چهار نکته اشاره می‌شود.

۲. نخستین نکته توجه دادن به ضرورت آینده‌نگری در برنامه‌ریزی برای ترویج فرهنگ و سبک زندگی دینی است. استاد رسول جعفریان در کتاب «رسائل حجابیه» - که مجموعهٔ نوشتارهای مربوط به حجاب و عمدتاً اثبات حجاب و پاسخ به شبهات مربوط به آن است – به این نکته مهم تذکر می‌دهد که تا قبل از حکم کشف حجاب در اوائل قرن چهاردهم هجری شمسی چندان کتاب و رسالهٔ مهمی در باب حجاب نمی‌یابیم. او علت این امر را «بدیهی بودن حجاب پیش از فرهنگ‌سازی کشف حجاب در حدود سالهای ۱۳۱۰ شمسی» می‌داند. لذا حد اکثر مباحث مربوط به حجاب، تا آن زمان، مسائل و مباحث فقهی ضمن کتابهای فقهی است نه بیشتر.

۳. نکتهٔ مهم در این میان، آن است که متولّیان امور دینی باید از ابزارهایی برخوردار باشند، از جمله بینش آینده نگرانه؛ که «علاج واقعه قبل از وقوع» را برنامهٔ همیشگی خود بدانند. این حلقه‌ای مفقوده است که هنوز هم جای آن در بسیاری از شؤون ما، به ویژه شؤون دینی خالی است. آن روز اهل نظر که هرگز تصور نمی‌کردند روزی با انگارهٔ تردید در مورد ضرورت حجاب بانوان یا انکار آن روبرو شوند، گویی ناگهان از خوابی سنگین بیدار شده باشند، دست به کار نگارش شدند و آن «امر بدیهی» را «برهانی و استدلالی» کردند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.2.8]

آیا امروز با مسائل آیندهٔ ناشی از فضای مجازی در همین زمینه، آشنایی – گرچه نسبی و نه کامل – وجود دارد تا به راهکار آن بیندیشیم و بار دیگر غافلگیر نشویم؟ آزموده را آزمودن خطاست. دریغا که این خطا بارها تکرار شده و می‌شود.

٤. دومین نکته توجه به این مطلب است که هر یک از احکام فقهی رویکردی درون دینی است مبتنی بر یک اصل عقلی برون دینی. به عبارت دیگر، هر حکم شرعی مصداقی است از یک اصل عقلی که بدون عقیده به دینی خاص، مورد اجماع تمام خردورزان است. طبعاً آن حکم شرعی به اصل عقلی خود باز می گردد. دعوت مردم به آن حکم شرعی را از کجا باید آغازید؟ از مطلب مصداقی درون دینی یا حکم عقلی برون دینی؟ تفصیل در این مورد به مجالی دیگر نیاز دارد، ولی در اینجا به تناسب موضوع بحث، به پیوند مسئلهٔ حجاب و عفاف اشاره می‌شود.

٥. عفاف، اصلی عقلی است که تمام خردورزان جهان، فارغ از هر گونه تفکر دینی، آن را ضرورت زندگی انسانی می‌دانند. کسی که این اصل را در رفتار خود نادیده می‌گیرد، عاقلی است که به حکم عقل گردن ننهاده است، هر جای زمین که باشد. حجاب شرعی در دین اسلام، مصداقی از این حکم عقلی است. برای دعوت دیگران به حجاب، طرح مباحث درون دینی یا مصداقی نه ضرورت دارد، نه فایده. این نکته را بارها در عمل آزموده‌ایم. در برابر، تربیت عقلانی مردم و احیای ارج بیمانند عقل، به گونه‌ای که به حکم عقل، از بن دندان گردن نهند، ضرورتی جدّی است. بدین روی به سرمایه‌گذاری‌ای زیربنایی نیاز داریم که بستری برای پذیرش بسیاری از احکام شرعی باشد، به شرطی که بتوانیم با منطق استوار به خوبی رابطهٔ میان حکم عفاف و مصداق حجاب را نشان دهیم و ضرورت حجاب را بر اساس عفاف بیان کنیم.

٦.سومین نکته تعلیم دین با زبان عمل است، آموزه‌ای که همگان در زبان به ضرورت آن آگاهی دارند ولی وقتی نوبت به عمل می‌رسد، غایب اصلی صحنه است. حجاب، یکی از احکام دین است که مردم، بحق، آن را در سپهر معرفت دینی می‌جویند، نه منفکّ از دیگر بایسته‌های دینی. بعلاوه همان معرفت دینی را در عمل متولیان دینی به دین پی می‌گیرند نه زبان گردانیِ محض.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.2.8]

۷. از توقع مردم که بگذریم، کریمهٔ «کبر مقتا عندالله أن تقولوا ما لا تفعلون» (صف، ۳) را پیش روی خود داریم؛ هشداری تند که می‌تواند و می‌بایست سرلوحهٔ زندگی دینی ما باشد. روشن است که در سپهر دین، بجز حجاب، احکام اخلاقی به ویژه رعایت حقّ الناس نیز وجود دارد. اگر مردم عمل به آن آموزه‌ها را در رفتار دینمداران نبینند، چه انتظاری داریم که به سخنان یکسویه و دعوت گزینشیِ آنان پاسخ مثبت دهند؟ من از مفصّل این نکته مجملی گفتم. و عاقلان را اشارتی کافی است.

۸. چهارمین، آخرین و مهمترین نکتهٔ این قلم انداز، ضرورت تأکید بر این آموزهٔ خردپسند دینی است که امامان معصوم علیهم‌السلام فرموده‌اند: «هل الدین إلّا الحبّ و البغض؟» (کافی، ج ۲ ص ۱۷۵). روشن است که در اینجا محبت به افراد خاصّ و دشمنی با افراد خاصّ مورد نظر است نه مطلق محبت که برخی با نادیده گرفتن پایهٔ بغض و تفسیر غلط جملهٔ ناقص، بدان رسیده‌اند. تفصیل این کلام نیز مجالی دیگر می‌طلبد.

۹. باری، پیوند استوار میان محبت معصومان علیهم‌السلام و پیروی از آنان، راهکاری تربیتی به ما ارائه می‌کند که غفلت از آن بسیاری از اقدامات ما را کم اثر یا حتی بی‌اثر کرده، افزون بر مواردی که پیامد منفی داشته است. کریمهٔ «قل إن کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله» (آل عمران، ۳۱) بر اساس این پیوند محکم، انسانها را به تبعیت از حجتهای الهی فرا می‌خواند. امام صادق علیه‌السلام نیز این اصل عقلی را بیان می‌دارد که: «إنّ المحبّ لمن یحبّ یطیع» (مناقب آل ابی طالب، ج ٤ ص ۲۷۵).

۱۰. در اینجا نیز بر اصلی تأکید می‌شود که در بند پیش گفته شد؛ یعنی معرفت صحیح دینی محبت نیکان و پاکان را به عنوان یک اصل عقلی - فطری که مشترک میان همگان است، می‌پذیرد و می‌پسندد، آنگاه به عنوان یکی از مصادیق این محبت پاک، بر تبعیت تأکید می‌کند. این شیوه را آزموده‌اند و از آن نتیجهٔ عملی نیز گرفته‌اند. باید به این شیوه که از مبنای عقلی و نقلی و پشتوانهٔ تجربی برخوردار است، بیش از پیش، توجّه شود. البته با توجه به بند دوم این یادداشت که دعوت کننده باید خود در عمل، بیش و پیش از دعوت شدگان، پیوند دوطرفه و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.2.8]

فزاینده میان محبت و اطاعت را جدّی بگیرد. وگرنه بدیهی است که: «خفته را خفته کی کند بیدار؟». همچنین بند اول این قلم انداز یعنی آینده‌نگری با توجه به این اصل، تأمین می‌شود، بدان روی که تربیت را بر پایه‌ای بنا نهاده که سرمایه‌ای دائمی و جاودانه است، نه گذرا و موقتی.

۱۱. مستندات این اصل اصیل، بیش از حدّ این قلم انداز است. ولی به این نکتهٔ کلیدی توجه می‌دهد که در چندین نصّ وحیانی، امامت را «نظام دین» (تحف العقول ص ٤٣٩) و امام معصوم را «قطب الرّحی» (معانی الاخبار ص ٣٦١) دانسته‌اند. یعنی که احکام فرعی بر سفرهٔ اصل امامت نشسته‌اند. لذا تا زمانی که امامت و شؤون آن در جان و درون کسی ننشسته باشد، چه انتظاری می‌رود که احکام فرعی فقهی در وجود کسی استوار شود؟ در چنین حالتی حتی اگر کسی حکمی را بپذیرد، به «ایمانی عاریتی» روی آورده، نه «ایمان مستقرّ» (انعام، ۹۸) که استوارتر از کوه، در هر زمان و مکان، نه تنها بر سر واجبات و محرمات، که بر مستحبات و مکروهات نیز پای فشارد.

۱۲. امروز زمام دین به دست باکفایت امام عصر حضرت بقیة الله است، عجّل اللّه تعالی فرجه القریب. رشتهٔ اصلی دین، در این زمان، وجود مقدّس اوست و احکام شرعی، تنها با قبول امامتش با تمام شؤون آن جایگاه می‌یابند. هر گونه دعوت به دین، بی‌توجه به این مهم، یا سست انگاری و سهل انگاری در آن، راه به ایمانی سست و سطحی می‌برد که شاید نمایشی زیبا در پی داشته باشد، ولی قوام و دوامی ندارد.

کلام امام صادق علیه السلام باید سرلوحهٔ برنامهٔ هر منتظر باشد که فرمود: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِر» (غیبت نعمانی ص ۲۰۰). در سوی دیگر، هشدار حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را به زبان آسمانی او می‌شنویم که فرمود: «قَدْ آذَانَا جُهَلَاءُ الشِّيعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُمْ وَ مَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبَعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْه» (احتجاج، ج ۲ ص ٤٧٤). هر چه میزان محبت امت به امامشان بیشتر باشد، تأثیر این سخن آسمانی بر زندگی دوستداران آن امام

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.2.8]

همام را بهتر می‌توان یافت.

کلید اساسی تربیت دینی بالا بردن این محبّت در دلها است، یعنی تربیتی بر این مبنا که همگان، از عالِم و عامی، «اضطرار به حجت» را در لحظه لحظهٔ زمان و ذره ذرهٔ وجود حس کنند. یعنی از ژرفای درون بپذیرند که استغنا – احساس بی‌نیازیِ – امت از امام زمانشان، سرآغاز طغیان و سرکشی انسان است، که هر گونه بی‌توجهی به احکام شرعی و فقهی کمترین پیامد آن است.

امید که توجّهی شایسته و بایسته و در خور، به این اصل اصیل را در صدر منشور تربیتی خود جای دهیم و برکات آن را به دیدهٔ بصیرت ببینیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.2.8]